

Living Experience of Female Adolescents with Irrational Beliefs in a Narrative Analysis Study

Article Info	Abstract
<p>Authors: Zahra Mesbah¹, Khadijeh Abolmaali Alhosseini^{2*}</p>	<p>Purpose: The present study examines the lived experience of female adolescents with irrational beliefs in order to determine the common and underlying factors for the development of irrational beliefs in the cognitive distortions of female adolescents.</p> <p>Methodology: The present qualitative research was phenomenology in the interpretive paradigm with the method of narrative analysis with the model of pluralistic analysis. The statistical population was the female students of the second year of high school in the 2nd and 5th districts of Tehran in the academic year 2019-2020. 274 students completed the Bernard (1988) Adolescent Irrational Beliefs Questionnaire, of which 16 were selected based on the inclusion criteria and purposefully due to having a score of 1.5 units of standard deviation above average. Then 12 people were studied until they reached theoretical saturation. Data collection was by semi-structured interview with McAdams. Formal-content and critical interpretive perspectives were used to analyze the data.</p>
<p>Keywords: Irrational beliefs, Narrative Analysis, Phenomenology</p>	<p>Findings: The research findings after the coding process showed conceptual commonalities among adolescents with irrational beliefs in 5 main themes and 9 sub-themes. These adolescents had five common characteristics: low self-efficacy, poor communication skills with others and inappropriate communication with God, dysfunctional parent-child relationship pattern, and traumatic childhood problems.</p>
<p>Article History: Received: 2021-03-30 Accepted: 2021-09-05 Published: 2021-09-22</p>	<p>Conclusion: In the treatment interventions of these adolescents to reduce irrational beliefs, the role of weakness in communication skills and self-efficacy, communication with God can be paid more attention, and in preventive interventions, harmful childhood problems such as rejection and emotional deprivation and the role of dysfunctional parenting style. He considered irrational beliefs in order to move more confidently to educate and improve adolescents' mental health.</p>
<p>Correspondence: Email: abolmaali@riau.ac.ir Phone: Address:</p>	

1. PhD Student, Department of Psychology, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.
2. Associate Professor, Department of Psychology, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran (Corresponding Author).

تجربه زیسته نوجوانان دختر دارای باورهای غیرمنطقی، یک پژوهش تحلیل روایتی

زهرا مصباح^۱، خدیجه ابوالمعالی الحسینی^{۲*}

چکیده

هدف: پژوهش حاضر به منظور تعیین عوامل مشترک و زمینه‌ساز ایجاد باورهای غیرمنطقی در تحریفات شناختی نوجوانان دختر به بررسی تجربه زیسته نوجوانان دختر دارای باورهای غیرمنطقی، می‌پردازد.

روش: تحقیق کیفی حاضر پدیدارشناسی در پارادایم تفسیری با روش تحلیل روایتی با الگوی تحلیل کثرت‌گرا بود. جامعه آماری دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه منطقه ۲ و ۵ آموزش و پرورش شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ بودند. ۲۷۴ دانش‌آموز پرسشنامه سنجش باورهای غیرمنطقی نوجوانان برنارد (۱۹۸۸) را تکمیل کردند که از آن میان ۱۶ نفر بر اساس ملاک‌های ورود و به صورت هدفمند به دلیل داشتن نمره ۱/۵ واحد انحراف معیار بیش از میانگین انتخاب شدند. سپس ۱۲ نفر تا رسیدن به اشباع نظری مطالعه شدند. گردآوری داده‌ها با مصاحبه نیمه‌ساختار یافته مک‌آدامز بود.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق پس از طی فرایند کدگذاری، اشتراکات مفهومی را در بین نوجوانان دارای باورهای غیرمنطقی در ۵ مضمون اصلی و ۹ زیر مضمون نشان داد. این نوجوانان دارای پنج ویژگی مشترک خودکارآمدی پایین، مهارت‌های ارتباطی ضعیف و نامناسب با دیگران، ارتباط ضعیف و نامناسب با خداوند، الگوی ناکارآمد رابطه والد فرزندی و مشکلات آسیب‌زایی در دوران کودکی بودند.

نتیجه‌گیری: در مداخلات درمان این نوجوانان جهت کاهش باورهای غیرمنطقی می‌توان بر نقش ضعف در مهارت‌های ارتباطی، خودکارآمدی و ارتباطات با خداوند توجه بیشتری داشت و در مداخلات پیشگیری، مشکلات آسیب‌زای دوران کودکی مانند طرد و محرومیت‌های هیجانی و نقش سبک فرزندپروری ناکارآمد را در ایجاد باورهای غیرمنطقی مورد توجه قرار داد تا با اطمینان بیشتری جهت آموزش و بهبود سلامت روان نوجوانان حرکت کرد.

کلیدواژه: باورهای غیرمنطقی، پدیدارشناسی، تحلیل روایتی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ دانشجوی دکتری، دانشکده روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

^۲ دانشیار، دانشکده روان‌شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

نظریه‌های شناختی، شناخت را عاملی مهم و تأثیرگذار در رفتار، احساسات و عواطف می‌دانند (فیست^۱، ۲۰۱۳). ترجمه سید محمدی، ۱۳۹۶). سبک‌های شناختی^۲ که در پردازش حوادث زندگی به شیوه‌ای سیستماتیک و سازگار عمل می‌کنند، در دوره نوجوانی ثبات بیشتری می‌یابند، در نتیجه انواع تحریفات شناختی در نوجوانان در مقایسه با کودکان بیشتر رخ می‌دهد (پریرو و همکاران^۳، ۲۰۱۲). ساختار شناختی اساسی یا طرحواره‌ها در کودکی اولیه به عنوان پیامد تجارب شخصی فرد و تعامل با دیگر اشخاص مهم زندگی رشد می‌یابند. منشأ ایجاد افسردگی، بازخوردهایی است که در کودکی و دوره‌های بعدی شکل می‌گیرند (ماونو و همکاران^۴، ۲۰۱۳ به نقل از مصباح، ابوالمعالی و حمیدی، ۱۳۹۹). تحریفات شناختی^۵ به عنوان باورهای غیرمنطقی^۶ خودکار به ذهن انسان خطور می‌کنند و علت اصلی مشکلات افراد دارای اختلال هیجانی، افکار آنها است. این افکار فرد را دچار تحریف‌هایی چون تعمیم افراطی، نتیجه‌گیری شتاب‌زده و شخصی‌سازی امور می‌کند و رد پای اسنادهای درونی پایدار و غیرقابل کنترل در آن دیده می‌شود (بک^۷، ۱۹۷۹). تحریفات شناختی الگوهای فکری اغراق‌آمیز یا غیرمنطقی هستند که موجب می‌شوند افراد واقعیت‌ها را به طور دقیق درک نکنند و بهزیستی روان‌شناختی آنان به خطر افتد (هلموند و همکاران، ۲۰۱۵). تحریفات شناختی می‌تواند به عنوان "راه‌های نادرست یا مغرضانه ناخواسته فرد در معناسازی برای تجربیات" تعریف شود. این تمایل به بازسازی شناختی فرد برای اطلاعات اجتماعی و ورود تعصبات خودشیفتگی (برای محافظت از تصویر مثبت از خود) در بین انسان رایج است (توماسز، ۲۰۱۴ به نقل از مصباح و همکاران، ۱۳۹۹). عوامل تأثیرگذار بر آسیب‌پذیری در مقابل پریشانی روان‌شناختی ساختار شخصیتی و عقاید اساسی فرد درباره خود و جهان پیرامون است (نادرزاده و همکاران، ۱۳۹۸). به نظر بک (۲۰۰۵)، تحریفات شناختی می‌تواند منجر به درونی‌شدن اختلال‌هایی مانند اضطراب، افسردگی یا بروز علائم بیرونی، عصبانیت و پرخاشگری شود که سلامت عاطفی، روابط بین فردی و فرآیندهای شناختی را مختل کند (راجرز و همکاران^۸، ۲۰۱۹). مشکلات رفتاری مثل خشونت می‌تواند ریشه در تحریفات شناختی داشته باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۹). باورهای غیرمنطقی، به ویژه فرایند تفکر غیرمنطقی ثانویه، رابطه بین آسیب روحی در دوران کودکی و علائم افسردگی است. البته تأثیر غیرمستقیم ضربه روحی کودک در علائم افسردگی از طریق اعتقادات غیرمنطقی بسته به سطح باورهای منطقی تغییر می‌کند (دورو و بالکیس^۹، ۲۰۲۱). کسی پیدا نمی‌شود که تمام مشکلات مرتبط با تحریفات شناختی را داشته باشد ولی اکثر آدم‌ها حداقل چند مورد از آنها را دارند و غالباً شناخت کمی از علل واقعی رنجها و مشکلات خود دارند (چان و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۹). باورهای غیر منطقی نقش پیچیده‌ای در بروز بیماری‌های روانی و همچنین در بروز ویژگی‌های شخصیتی دارند (سرین^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۰ و پالو^{۱۲} و همکاران (۲۰۲۰). الیس (۲۰۰۳)، ریشه رفتارهای ناسازگارانه را باورهای غیرعقلانی^{۱۳} و مسلط بر روان فرد و عامل تعیین‌کننده این باورها را نحوه تعبیر و تفسیر و معنی دادن به رویدادها می‌داند. تقسیم‌بندی باورهای غیرعقلانی از دیدگاه الیس ابتدا به ۱۲ باور غیر عقلانی و سپس به ۱۰ باور اشاره می‌کند. باور غیرعقلانی، خواسته‌ها و اهدافی هستند که به صورت ترجیحات ضروری و الزامی درمی‌آیند و تبدیل به اهداف اجباری، الزامی و قطعی می‌گردند به طوری که اگر برآورده نشوند موجب آشفتگی فرد می‌شوند (راجرز و همکاران، ۲۰۱۹). همانطور که گفته شود: باورهای غیرعقلانی در ایجاد پریشانی روان‌شناختی نوجوانان موثر است. باورهای غیرعقلانی پیش‌بینی‌کننده‌های مهم

1 Feist

2 cognitive styles

3 Perira at al

4 Mauno et al.

5 Cognitive distortions

6 Irrational belief

7 Beck

8 Rogers et al.

9 Duru & Balkis

10 Chan et al.

11 Serine

12 Pallav Kumar

13 deresonable blifes

اهمال کاری هستند. میزان تاثیر باورهای غیرعقلانی با توجه به جنسیت تغییر می‌کند (بالکيس و دورو، ۲۰۲۰). انجام مداخلات هدفمند جهت ارتقا سلامت روان دانش‌آموزان از طریق کاهش تحريفات‌شناختی می‌تواند صورت پذیرد (هو و همکاران، ۲۰۱۹،^۱). استفاده از اقدامات در اعتقادات غیرعقلانی مؤلفه مهمی در ارزیابی مشکلات موجود در روان‌درمانی و یک روش مفید برای اثربخشی مداخلات خاص برای تسهیل چنین تغییراتی است (ترجيسن و همکاران، ۲۰۱۹،^۲ و کستوگلو^۳ و همکاران، ۲۰۱۶،^۴ و شاین و ترک^۴، ۲۰۲۱). علیرغم نقش نظری اصلی تحريفات‌شناختی در علل، نگهداری و درمان بسیاری از اختلالات روانی، کمبود نسبی تلاش برای شناخت ریشه‌های زمینه‌ساز تحريفات‌شناختی دیده می‌شود. شناخت تحريفات‌شناختی به روانشناسان فرصتی می‌دهد به طور سیستماتیک الگوهای شناختی مرتبط را که در درمان مورد هدف قرار می‌گیرند اصلاح کنند (موریسون^۵، ۲۰۱۵،^۵ و دی جیوزپه و همکاران^۶، ۲۰۲۱). تحقیقات گذشته حاکی از اهمیت و نقش باورهای غیرمنطقی در سلامت روان است. از سویی دیگر اهمیت و تاثیر سن نوجوانی در تحکیم باورهای غیرمنطقی دوران کودکی، ضرورت مداخله در سنین نوجوانی را نشان می‌دهد (کول و ترنز^۷، ۱۹۹۳؛ کندال^۸، ۱۹۸۵؛ کندال و تردول^۹، ۲۰۰۷ و پریرو و همکاران، ۲۰۱۲ به نقل از مصباح و همکاران، ۱۳۹۹). تاثیر آموزش بر تحريفات‌شناختی در تحقیقات گذشته دیده می‌شود، لکن خلاء موجود در زمینه شناخت عوامل مشترک زیسته در نوجوانان دارای باورهای غیرمنطقی و نبود پژوهش‌های کاربردی، منطبق بر تحقیقات بومی، اهمیت پژوهش کیفی در این رابطه را نشان می‌دهد. از این رو تحقیق حاضر بر اساس تجربه زیسته نوجوانان دارای باورهای غیرمنطقی به بررسی عوامل مشترک و زمینه‌ساز ایجاد تحريفات‌شناختی می‌پردازد.

روش

پژوهش کیفی با روش تحلیل روایتی با الگوی کثرت‌گرا انجام شد. در این الگو روش‌های مختلف ترکیب و جنبه‌های ساختاری، زبانی، تعاملی و زمینه‌ای روایت‌ها بررسی می‌شود. تحلیل یافته‌ها با الگوهای ساختاری و مضمونی آغاز و سپس از طریق آشکارسازی لایه‌های چندگانه در ساخت و عملکرد روایت‌ها، تحلیل گسترش می‌یابد. جامعه آماری دانش‌آموزان دختر دوره دوم متوسطه منطقه ۲ و ۵ آموزش و پرورش شهر تهران در سال ۱۳۹۸ با تعداد ۷۴۵۶ نفر تعیین شد. به منظور غربالگری و انتخاب نوجوانان دارای باورهای غیرمنطقی بالا، ابتدا پرسشنامه روی ۳۰۰ دانش‌آموز اجرا گردید. دانش‌آموزان با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای در چهار مدرسه انتخاب و در نهایت ۲۷۴ دانش‌آموز، پرسشنامه سنجش باورهای غیرمنطقی برنارد را تکمیل کردند. ملاک ورود در روش نمونه‌گیری بر اساس موارد انحرافی یا افراطی بود. بر این اساس ۲۲ نوجوان دارای انحراف معیار بیشتر از ۱/۵ بودند و جهت انجام مصاحبه انتخاب شدند. ۸ نوجوان به دلیل عدم همکاری والدین آنها در توافق آگاهانه اولیه کنار گذاشته شدند. مصاحبه‌ها با ۱۶ نوجوان یک به یک انجام گردید و با توجه به پیاده‌سازی همزمان داده‌ها، کفایت داده‌ها در دهمین نمونه مشخص و عدم کدگذاری جدید در نوجوان دوازدهم قطعی گردید. مدت مصاحبه‌ها بین ۴۰ تا ۹۵ دقیقه بسته به فرایند گفتگوها بود. مصاحبه‌ها با سؤالات کلی آغاز و با سؤالات اکتشافی ادامه یافت. جهت رعایت ضوابط اخلاقی پژوهش تمامی مصاحبه‌ها با رضایت کتبی نوجوانان و اولیا آنان انجام شد و داده‌های کیفی با اسامی مستعار گزارش گردید همچنین جهت کنترل پیامدهای روانی ناشی از مصاحبه‌ها همه شرکت‌کنندگان بعد از این پژوهش به جلسات مصاحبه دعوت شدند. سایر افراد که به نوعی با پدیده مورد مطالعه ارتباط داشتند و مشاهدات آنها نیز می‌توانست در غنی شدن داده‌های حاصل از تجربه مشارکت‌کنندگان به محقق کمک کند، در راستای نمونه‌گیری نظری وارد مطالعه شدند. این افراد شامل اولیا دانش‌آموزان، خواهر یا برادر و دوستان نزدیک آنها در مدرسه بودند که در فرایند تحقیق، داده‌های حاصل

1 Katherine S. Hu

2 Terjesen et al

3 Kostoglou, Sharelle L

4 Sahin & Turk

5 Morrison

6 DiGiuseppe et al

7 Cole & Turner

8 Kendall,

9 Treadwell

از گفتگوی با این افراد به صورت خارج از جلسات مصاحبه، در دسته بندی مشاهدات میدانی قرار گرفت. داده‌های پژوهش با استفاده از ابزارهای زیر گردآوری شد.

مقیاس تحریفات شناختی: جهت انتخاب نمونه از میان نوجوانانی که دارای باورهای غیرمنطقی بودند، در ابتدای پژوهش از پرسشنامه "مقیاس باورهای غیرعقلانی نوجوان برنارد ۱۹۹۸ استاندارد شده در سال ۱۳۹۸ استفاده شد. این پرسشنامه شامل سوالات ۵گزینه‌ای براساس مقیاس لیکرت است. کاملاً موافقم نمره ۱ تا اصلاً موافق نیستم نمره ۵ دارند. نمره بالاتر باورهای غیرمنطقی بیشتر و نمره پایین‌تر باورهای غیرمنطقی کمتری را نشان می‌دهد. پرسشنامه با ۲۵ گویه، ۴ مولفه (تحقیر خود، بی‌تحمیلی قوانین نامیدکننده، بی‌تحمیلی ناکامی در تکالیف-توقع انصاف و بی‌تحمیلی نقض قواعد توسط دیگران) را مورد سنجش قرار می‌دهد. روایی سازه این پرسشنامه با تحلیل عاملی اکتشافی و چرخش واریماکس بررسی شده است. شاخص (KMO) ۰/۷۶۸ و کفایت حجم نمونه را نشان می‌دهد، در کل ۵۸/۲۱ درصد از واریانس کل متغییر را تبیین می‌نمود. بیشتر مقادیر مربوط به شاخص‌های برازش تطبیق (CFI)، شاخص نیکویی برازش (AGFI)، بالاتر از ۰/۸۲ بودند که این امر تاییدکننده عامل‌های حاصل از عامل اکتشافی است. همسانی درونی این پرسشنامه به روش الفای کرونباخ برای مقیاس کلی ۰/۷۸ بود (مصباح، ابوالمعالی و حمیدی، ۱۳۹۹).

پروتکل مصاحبه مک‌آدامز: مک‌آدامز یک الگوی مصاحبه نیمه‌ساختار یافته را برای بررسی زندگی‌نامه شخصی افراد ارائه داده است. این الگو بر اهمیت دیالوگ (گفتگوی) بین شخصی برای جستجوی خود و هویت تأکید می‌کند. مک‌آدامز روایت‌های زندگی را در دو بافت اکتشاف و توجیه قرار می‌دهد. تجربیات زیسته نوجوانان با انجام مصاحبه گردآوری و آرشیوی از آنها در فرمت متنی و صوتی تهیه گردید.

رویکرد دانش‌شناسی در تحلیل داده‌ها سازنده‌گرایی بود و از چشم‌انداز تفسیری شکلی-محتوایی و انتقادی استفاده شد. الگوی تحلیل کثرت‌گرا است و در فرایند تحلیل از روش بازگویی به منظور آشکارسازی نظم و توالی داستان استفاده شده است. برای بازگویی داستان، داده‌های داستان مرور و دوباره اندیشیده شد. این فرآیند طبق تحقیقات کانلی و کلاندین^۱ (۱۹۹۹)، به نقل از ابوالمعالی، (۱۳۹۹)، شامل موارد زیر بود: بررسی داده‌های خام، شناسایی عناصر اصلی در داستان و مرتب کردن آنها به لحاظ زمانی و سازماندهی عناصر داستان به صورت منطقی. در بازگویی، یک توالی تقویمی و یک پیوند علی بین عقاید برقرار شد و برای تعیین عناصر داستان‌ها از تعیین عناصر پیرنگ در ساختار روایتی حل مسئله استفاده شده است. در فرایند کدگذاری داده‌ها از روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی استفاده شد. در تمامی مراحل فوق نرم افزار MAXQDA18 جهت دسته‌بندی و جداسازی داده‌های گردآوری شده مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش در مرحله اول شامل عناصر اصلی داستان زندگی نوجوانان دارای باورهای غیرمنطقی بالا بود که جهت بازسرایی داستان مورد استفاده قرار گرفت. عناصر اصلی داستان را در جدول شماره ۱ مشاهده می‌نمایید.

جدول ۱. سازماندهی عناصر داستان در داخل ساختار روایتی حل مسئله

جایگاهها	شخصیتها	اقدامات	مسئله	راه حل
محل تولد شهر تهران، روایت سالهای ۸۰ تا ۹۸، نیمی از مصاحبه شوندگان	مادر - پدر - معلم کلاس اول	شویه سازی چهره و رفتار به جنس مخالف، مشغولیت	- چرا می خواهد شبیه پسر ها باشد؟ - چرا همیشه فکر میکند دیگران می خواهند دعوایش کنند؟ - چرا مادرش را فرد ضعیفی می داند؟ - چرا فکر میکند پدرش ثبات در رای و عقیده ندارد؟ - چرا زندگی را در دو بخش سیاه و سفید می بیند؟ چرا فکر میکند خدا عادل نیست؟ - چرا محور صحبت ها شیطنت های دوران کودکی و مقبولیت در دوران کودکی خودش است؟ - چرا دوران زندگی قبل از مدرسه برایش خوشبختی و بعد از آن بدبختی است؟ - چرا تولد خودش را اتفاق بدی در زندگی اطرافانش میداند؟	- توجه زیاد مادر به برادر باعث فاصله گرفتن از هویت جنسی خودش شده است. توجه های ویژه جنس مخالف و یا معلم باعث تغییر افکار منفی در مورد خود شده است. بزرگ شدن و آغاز فشار بایدها و نبایدهای زندگی از طرف اطرافیان شروع مدرسه بوده است.
فرزند اول هستند، خانواده دارای تعصبات فرهنگی قومی هستند اصالت قومیت در همه آنها دیده میشود. همه مصاحبه شوندگان متولد تهران هستند و والدین آنها تفاوت قومیتی با هم ندارند و ۳ قومیت (کرد، ترک، خراسان) و اهل خراسان و یزد هستند	دوم - دوست - برادر - خواهر - مادربزرگ	مورد حرکات و رفتار و صحبت های دوستان و خانواده، تلاش برای جلب توجه		

یافته‌های پژوهش در مرحله دوم ابتدا شامل کدهای اساسی به دست آمده از مصاحبه‌ها و سپس کد نظری بود. از میان کدهای نظری به دست آمده کد هسته‌ای استخراج گردید. در نهایت، تحلیل مصاحبه‌ها، ۵ مضمون اصلی و ۹ زیر مضمون که نشان‌دهنده اشتراکات تجربه زندگی در نوجوانان مورد مطالعه است را نشان داد. جدول شماره ۲ کدهای اساسی، نظری و هسته‌ای را در تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد.

جدول ۲. مضامین اصلی و زیر مضمون‌های فرایند کدگذاری داده‌ها

کد هسته‌ای	کد نظری	کد اساسی
	خودآگاهی شناختی پایین	خود تحول نایافته گرفتار عدم وجود مهارت حل مساله وابستگی / بی کفایتی سرزنش خود
خودکارآمدی پایین		نارضایتی جنسیتی رفتار های فرا اجتماعی پذیرش جویی جلب توجه اعتماد به نفس پایین
	خودآگاهی هیجانی پایین	کمال گرایی منفی و بدبینی
	مشکلات روانشناختی	اختلال رفتاری مادر وسواس
مهارت های ارتباطی ضعیف	خانواده	
	مشکلات روانشناختی والدین	مشاجرات پدر و مادر

سبک فرزند پروری آزادی مدار	ارتباط والد فرزندى نامتعادل	الگوی ناکارآمد والد فرزندى
سبک فرزند پروری امنیت مدار		
دلبستگی اجتنابی نسبت به خدا	مقابله مذهبی منفی	ارتباط ضعیف با خدا
دلبستگی دو سوگرا به خدا		
طرد از طرف همسال و هم جنس	طرد	
طرد از طرف مادر و خانواده مادری		
طرد از طرف معلم		
بدرفتاری والدین، مادر بزرگ، معلم		
بدرفتاری دوستان و همسالان	بدرفتاری اطرافیان	مشکلات آسیب‌زای دوران کودکی
بدرفتاری خواهر و برادر		
بدرفتاری جنس مخالف		
محرومیت محبت		
محرومیت همدلی	محرومیت هیجانی	
محرومیت حمایت		

۱- خودکارآمدی پایین: یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد در اکثر نوجوانان دارای تحریفات شناختی بالا خودکارآمدی پایین به ویژه ناکارآمدی در حل مساله دیده می‌شود. این نوجوانان نقصان در مهارت‌های ارتباطی داشته و توانایی کمک‌خواهی از دیگران را نیز برای حل مسائل زندگی خود نداشتند و تقریباً تمام آنها را حل‌ناپذیر می‌دانستند. خودآگاهی شناختی ضعیف در طی جلسات مصاحبه و مشاهدات میدانی در محیط آموزشی مصاحبه‌شوندگان حاکی از آن است که این افراد در عین حال که اعلام می‌کنند خودشان از بقیه بالاتر هستند و برای خودشان امتیازها و حقوق خاصی قائل هستند در گفتگوها همیشه از اطرافیان خود صحبت می‌کنند، حتی در هدف برای زندگی یا آینده خودشان بدون دیگران، جایگاهی برای خود قائل نیستند و این نگاه در زمانی که از گذشته خود صحبت می‌کنند و یا آینده خود را متصور می‌شوند دیده می‌شود. این نوجوانان خودشان را از بقیه بالاتر می‌بینند و حقوق و امتیازهای خاصی برای خود احساس می‌کنند و به همین دلیل خود را نسبت به احترام متقابل که پایه و اساس تعاملات اجتماعی است موظف نمی‌دانند و دوست دارند به قدرت برسند که برتری خودشان را نشان دهند و البته اغلب همدلی پایینی دارند. محرومیت‌های درونی احتمالی در خصوص احترام متقابل دیده می‌شود و احتمالاً خویشتن‌داری در این افراد به اندازه کافی رشد نکرده است. کدهسته‌ای خودکارآمدی پایین به عنوان یک عامل ایجادکننده در تحریفات شناختی با کدهای نظری خودآگاهی شناختی و هیجانی پایین شناخته شد. مصاحبه‌شوندگان خودشان را در اتفاقات پیش‌آمده حتی اتفاقات کودکی خود سرزنش می‌کردند. این اتفاقات را در زندگی روزمره خود مرور و از آنها به عنوان دلیلی برای عدم خوب بودن یا عدم کفایت و شایستگی خود می‌دانستند. در ظاهر دیگران را مقصر اتفاقات و آسیب‌هایی می‌دانستند که برایشان پیش آمده ولی در عمق رخدادها دائماً خودشان را سرزنش می‌کردند و این را به شخصیت شلوغ، شیطان و حرف‌گوش نکن خودشان نسبت می‌دادند. همه مصاحبه‌شوندگان ناراضی جنسیتی را در ساختار هویتی خود داشتند. از اینکه دختر بودند شکایت می‌کردند یا دختر بودن را محدودیتی در زندگی خود می‌دانستند. از نظر روانشناختی مادر ضعیف و ناکارآمد نوجوان، احساس محدودیت آزار دهنده جنسی و قابلیت‌های شخصی مسبب پیدایش ناراضی جنسی بوده است. از نظر اجتماعی تاثیر الگو، علاقه زیاد مادر به فرزند پسر و تعامل زیاد با گروه غیر هم جنس باعث ایجاد ناراضی جنسیتی و به دنبال آن مسبب پیدایش اختلال هویت جنسی شده بود. در مشاهدات میدانی دیده شد که این دخترها بیشتر شبیه پسرها لباس می‌پوشند و در مدل موی کوتاه و حرکات بدن و صحبت کردن سعی می‌کنند خود را شبیه به جنس مخالف خود کنند. تمامی مصاحبه‌شوندگان احساس می‌کردند باید بهترین باشند، هیچ وقت خطا نکنند و همه افراد پیرامون آنها نیز باید بدون اشتباه باشند. خطای معلم یا مادر و پدر و حتی دوستان خود را در رخدادهای زندگی نمی‌توانستند توجیه کنند و عنوان می‌کردند که فقط خودشان می‌توانند مشکلاتشان را

حل کنند. مشاهدات میدانی و مصاحبه‌ها نشان می‌دهد که این افراد منفی‌گرایی و بدبینی زیادی دارند به مرگ، فقدان و تعارض خیلی توجه می‌کنند. پیش‌بینی‌های افراطی می‌کنند نتایج منفی احتمالی را اغراق آمیز می‌کنند و غرزدن بسیار زیادی دارند. به دلیل عدم رضایت از ظاهر و توانمندی‌های تحصیلی خودشان اعتماد به نفس پایینی دارند که موجب عیب‌جویی‌های افراطی از دیگران و تحقیر خودشان می‌شود. هرگونه رفتاری از طرف معلم را به صورت منفی تعبیر می‌کنند و بعد از هر اتفاقی در کلاس به شدت شکایت کرده و اظهار بلاتکلیفی می‌کنند. با توجه به بازداری هیجانی که دیده می‌شود برای اینکه انتقاد نشوند یا کنترل خودشان را از دست ندهند تاکید بر عقلانیت و نادیده گرفتن هیجانانگیزان را بسیار بیان می‌کنند. این جمله که "مهم نیست چه اتفاقی می‌افتد من در هر صورت مثبت‌ها را می‌بینم" را زیاد تکرار می‌کردند، در حالی که در واقعیت طبق مشاهدات میدانی و گفته‌های خودشان اینگونه رفتار نمی‌کنند. به نظر می‌رسد معیار بلند پروازانه اجتناب از عدم تایید یا خجالت‌زدگی و بی‌نقص‌گرایی فشار مداوم عیب‌جویی از خود و دیگران را در آنها به وجود می‌آورد. ترحم‌های افراطی به اطرافیان و نادیده گرفتن شخص خود در تعاملات خانوادگی در اکثر این افراد به چشم می‌خورد. اعتماد به نفس پایین و عدم رضایت از ظاهر خود و یا شرایط خانوادگی، مذهبی و تحصیلی، همچنین رفتارهایی که سبب جلب توجه افراطی دیگران به سمت نوجوان شود حاکی از خودآگاهی هیجانی پایین نوجوان است.

۲- مهارت‌های ارتباطی ضعیف و نامناسب: اکثر نوجوانان دارای باورهای غیرمنطقی بالا مشکلاتی در تعاملات خود دارند. مشکلات روانشناختی موجود در خانواده، تعاملات نامناسب خانوادگی، مشاجرات بین پدر و مادر نشان‌دهنده ضعیف بودن مهارت‌های ارتباطی در اعضا خانواده مصاحبه‌شوندگان است که در خود آنها نیز دیده می‌شود. جدول شماره ۳ این مضمون و کدهای مرتبط با آن را نشان می‌دهد.

جدول ۳. مولفه‌ها و کدهای مضمون تعاملات ضعیف و نامناسب

کد هسته ای	کد نظری	کدهای اساسی	نمونه ای از محتوای متنی مصاحبه‌ها
دیگران مهارت‌های ارتباطی ضعیف و نامناسب با	مشکلات روانشناختی والدین	مشاجرات پدر و مادر	بابام همیشه اگر برای درس من مشکلی پیش بیاد مامانم را مقصر میدونه حتی اگر به ان ربطی هم نداشته باشه باز هم مادر م و مقصر میدونه در این مورد هم خیلی با هم دعوا میکنند .
			ما خیلی دعوا میکردیم شب و نصفه شب و صبح و ..
	مشکلات روانشناختی خانواده	اختلالات رفتاری مادر	مماانم ادامه دار میزنه. قشنگ میزنه من کمتر کتک خوردم مثلا سجاد دستش شکسته پرگار رفته تو دستش
		وسواس	دایی‌هایم هم وسواس دارند. ولی بزرگترینشون ماما بزرگمه مثلا کرمانشاه که میریم همه مواظبند

۳- ارتباط ضعیف و نامناسب با خداوند: در بررسی تعاملات، ارتباط با خدا در این نوجوانان از منظر نظریه مقابله مذهبی پرگامنت بررسی شد. هیچکدام از این نوجوانان در سبک مقابله مذهبی مثبت قرار نداشته و مقابله مذهبی منفی از نوع دلبستگی اجتنابی و دلبستگی دوسوگرای گرفتار شده نسبت به خدا را نشان می‌دهند. وجود دلبستگی اجتنابی بیشتر از نوع آشفته در سبک دلبستگی والدین آنها نیز دیده می‌شود. برخی مولفه‌ها و کدهای مرتبط با این مضمون در جدول شماره ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳. مولفه‌ها و کدهای مضمون ارتباط ضعیف و نامناسب با خداوند

کد هسته‌ای	کد نظری	کدهای اساسی	نمونه‌ای از محتوای متنی مصاحبه‌ها
ارتباط ضعیف با خداوند	مقابله مذهبی منفی	دل بستگی اجتنابی نسبت به خدا. از نوع آشفته	به هیچی اعتقاد نداریم مامانم برای خودش یه چیزهایی را معتقده ولی به نظر من همش خرافاته من فقط میگم خدایی هست که همیشه هست و آماده است که ما اشتباه کنیم تا حسابی بقیه زندگی رو برامون خط و نشون بکشه . بعضی ها میگن مهربونه. به نظر من نیست . اگر بود همه را یک شکل می افزید.
		دل بستگی دو سو گرا نسبت به خدا. از نوع گرفتار شده	خدا عادل هم هست. بعضی وقت ها نه به خاطر یه چیزهایی که تو زندگییم هست و دست خودم نیست خدا رو مقصر میدونم

۴- الگوی ناکارآمد والد-فرزندی: در بررسی یافته‌ها از دیدگاه سبک فرزندپروری، والدین این دختران بیشتر سبک فرزندپروری امنیت‌مدار و در درجه دوم آزادی‌مدار دارند در سبک فرزندپروری والدین این نوجوانان، امنیت‌مدار با انعطاف‌پذیری کم پدر، کنترل بدون منطق مادر، رسمیت در رابطه با پدر و ارزش مشروط از نگاه مادر نسبت به بقیه موارد بیشتر بود. در سبک آزادی‌مدار نازپروردگی بیشتر و تزلزل و نرمی در اعتقادات پدر و رهاشدگی از طرف هر دو والد مخصوصاً پدر بیشتر به چشم می‌خورد. جدول شماره ۴ برخی از این مضامین و کدهای مربوط به آن را نشان می‌دهد.

جدول ۴. مولفه‌ها و کدهای مضمون ناکارآمد والد-فرزندی

کد هسته‌ای	کد نظری	کدهای اساسی	نمونه‌ای از محتوای متنی مصاحبه‌ها
الگوهای ناکارآمد رابطه والد فرزند	سبک فرزندپروری نامتعادل	امنیت‌مداری	فقط بابام . از بدو تولدم فقط بابام قبولم داشت
		مقبولیت محدود	تنها یا بیشترین فرد بابام قبولم داره
		فرزندپروری امنیت‌مدار	بابام خیلی سخت گیره، مثلا اینکه کاری که میگه باید درست انجام بشه
		انعطاف‌پذیری کم پدر و مادر	مثلا میخاهیم بریم مسافرت میگه پرنیا این قسمت ساک را جمع کنه . مثلا اگر من درست انجام بدهم که خوبه ولی اگر درست انجام ندهم عصبانی میشه
		امنیت‌مداری	بابام هیچی رو نمیبینه یه درس و میگه چرا نوزده هستش و دعوا میکنه .ولی مامانم اینجوری نیست حتی نوزده رو هم قبول نداره
		کنترل و محدودیت پدر و مادر	ولی مامانم نه .اصلا منو نمیبخشه.
		امنیت‌مداری	یه بار ریاضیم رو خیلی بد دادم فهمید قشنگ برگم رو مچاله کرد جلوی خودم اولش من میخاستم برم انسانی نشد. نگذاشتند
		امنیت‌مداری	داداشم کلا دو تا راه بیشتر نداشت.یا با نیلوفر ازدواج میکرد یا با دختر عمه م.نیلوفر انتخاب کرد.اجبار خانوادگی بود
		امنیت‌مداری	اره همیشه بحث شده یا مامانم جلو جمع کتکم زده
		امنیت‌مداری	پدرم چون احساس میکنم خیلی باسواده و همه ی بدی هارو از خوبی ها تشخیص میده و همیشه حرفش درسته و من اونو قبول دارم و به کارش و حرف هاش ایمان دارم ،
امنیت‌مدار	اگه من نرم تجربی میگن خنگی . همیشه باید میومدم تجربی		

<p>کلاس هفتم مدرسه به شرط ثبت نامم کرد ادم را مجبور به پشتکار بیشتری میکنه و ایینجوری میتونه دیده بشه و قبولش داشته باشند</p>	<p>ارزش مشروط پدر و محیط</p>
<p>پدرم خیلی اخم یا دعوا میکنه. اگر رفتار اشتباهی مثلا در شرکت پدرم داشته باشم یکدفعه سرم داد میزنه از داد های یکدفعه ش خیلی میترسم. همیشه هم میگه از عهده این کار ها بر نیای هیچی نمیشی. دخترم من نیستی اگر نتونی این کار و اونکار و انجام بدی</p>	<p>آزادی مداری ناز پروردگی</p>
<p>من همه چیز بابام هستم. گاهی به مامانم میگه من تو را به خاطر فاطمه نگه داشتم. البته شوخی میکنه ها ولی مامانم ناراحت میشه. میگه تو سیدی باید مامانت مراقبت باشه. هر چی بخوایم هم برام آماده میکنه. هر چی.</p>	<p>آزادی مداری تزلزل و نرمی پدر</p>
<p>نمیدونم. بعضی مواقع کوتاه میاد. خیلی مهربون میشه. همیشه هم انقدر سخت گیر نیست. مثلا اگه ببینه ناراحتی کمکت میکنه ولی خب بعضی جاها هم سختگیر میشه بچه بودم و متوجه نبودم کسی هم نبود من را ادب کنه</p>	<p>آزادی مداری تزلزل و نرمی مادر و مادر بزرگ</p>
<p>مادر بزرگم میومد دوران خوبی بود مهربون بود. هر کاری میخواستیم میکردیم بعد دعواهای مامان و بابام هم کم می شد مامان بزرگم که میومد ما راحت میتونستیم هر کاری بکنیم ازادی داشتیم</p>	<p>آزادی مداری رهايي پدر و مادر و مادر بزرگ</p>
<p>من خیلی رانندگی دوست دارم و وقتی بابام کلید ماشین و میده من برم باهاش دور بزنم خیلی دوست دارم اصلا می خواهم خونه بر نگردم. من خیلی رانندگی دوست دارم و وقتی بابام کلید ماشین و میده من برم با ماشین دور بزنم خیلی دوست دارم اصلا می خواهم خونه بر نگردم.</p>	<p>آزادی مداری رهايي پدر و مادر و مادر بزرگ</p>
<p>۵- مشکلات آسیب‌زای دوران کودکی: اکثر نوجوانان دارای باورهای غیرمنطقی بالا مشکلاتی آسیب‌زایی در دوران کودکی داشته‌اند. کدهای نظری و اساسی این مولفه در جدول ۵ آمده است.</p>	
<p>جدول ۵ مولفه‌ها و کدهای مضمون مشکلات آسیب‌زای دوران کودکی</p>	
<p>محتوای متنی مصاحبه‌ها</p>	<p>کد هسته‌ای کد نظری کدهای اساسی</p>
<p>همیشه از عرشیا که دو سال بزرگتر از منه کتک میخوردم و هیچ کس نمیتونست اونو از من جدا کنه و منم زورم بهش نمیرسید عرشیا از اون ادمهایی که تو زندگیمم از ش متنفرم و هنوز هم چشم دیدنش و ندارم</p>	<p>بدرفتاری جنس مخالف</p>
<p>همیشه میترسم همه دعوا کنم چون همیشه دعوا شدم. مثلا هر وقت حرف زدم بهم گفتند تو حرف نزن. تو نمیدونی</p>	<p>بدرفتاری والدین مادر بزرگ معلم</p>
<p>برا همین دوباره با من دعوا میکنن. مامان بزرگم. اونم همش سعید رو لوس میکنه. سعید بالام ه همش. هر چی من بگم باز سعید بالام (واژه ترکی "پسر") اومده. بالام حرف زده همیشه بحث شده یا مامانم جلو جمع کتکم زده.</p>	<p>بدرفتاری والدین مادر بزرگ معلم</p>
<p>یه معلمی داشتم خیلی وحشی بود. کلاس دوم هم یه بار کتکم زده بود. به مدیرمون گفتم عوض شه معلمم. مدیرمون قبول نکرد.</p>	<p>بدرفتاری های اطرافیان</p>

بعد دعوامون شد. دختر داییم مثلا گفت تو نشین سوار تاپ ها. تو از ما نیستی خیلی گریه کردم.	بدرفتاری دوستان و همسالان	سرد و بی عاطفه (محرومیت هیجانی)
سعید خیلی منو اذیت میکنه. از اولش هم اذیت میکرد. موهامو میکشید. برا همین همیشه باید موهام کوتاه میشد. مامانم میگفت اون بچه است برا همین تو موهاش و کوتاه کن	بدرفتاری خواهر یا برادر	
من خیلی تپل بودم و خیلی سنگین مامانم نمی تونست من و بلند کنه و همیشه میگه کتف دردش از به دنیا اومدن من شروع شده. من خیلی می خوردم و خیلی سنگین بودم. خب مامانم بهم شیر نداده بود و با شیر خشک حسابی تپل شده بودم	محرومیت محبت	
به من گفتند بشین اینجا انگار یادشون رفت من اونجا بودم. فکر کنم چند ساعت بعد اومدند سراغم من تمام مقنعه م خونی شده بود.	محرومیت همدلی	
معلم گفت وسایلت و بریز توی کیفیت. همشون خاکی بودند و من نمیخواستم. داد زد سرم که جمعشون کن منم با گریه اونها ریختم توی کیفم	محرومیت حمایت	
اولم من به گریه افتادم و دایی و خواهرم مدام منو مسخره میکردند و این برام خاطره شد		
میگفتم کتک خوردم هم فایده‌ای نداشت. میگفتن حقت بود کتک خوردی	طرد از طرف معلم	
به من گفتند بشین اینجا انگار یادشون رفت من اونجا بودم. فکر کنم چند ساعت بعد اومدند سراغم من تمام مقنعه م خونی شده بود.		
کسی که نمیخواستنش بیهوویی اومده.	طرد از طرف مادر و خانواده مادری	
مامانم بعد از به دنیا اومدن من همش مریض میشد و من را میزاشتند خونه مادر بزرگم که اون من و نگه داره		
مامانم خونه بود ولی حوصله منو نداشت معتقد بودند مهد کودک بهتر من را نگه میداره		
خانواده مادرم با ازدواجش موافق نبودند و بعد از ازدواجش دیگه اونو تحویل نگرفتند. مارو هم تحویل نگرفتند برای همین پدرم برگشتند ایران من و میبینه روش رو میکنه اونور میگه شما ادم مفیدی نیستی	طرد از طرف همسال هم جنس	
با دختر دایی هام خیلی بازی میکردم ولی راهم نمیدادند زیاد		

نتیجه‌گیری

این پژوهش با بررسی روایت‌های زندگی نوجوانان دارای باورهای غیرمنطقی بالا، به دنبال بررسی عوامل مشترک در زندگی و تجربیات این نوجوانان از دوران کودکی تا نوجوانی بود. مضامین اصلی به دست آمده از تحلیل روایتی ۱۲ نوجوان دارای باورهای غیرمنطقی بالا نشان داد که این نوجوانان دارای پنج ویژگی مشترک خودکارآمدی پایین، مهارت‌های ارتباطی ضعیف و نامناسب با دیگران، ارتباط نامناسب با خداوند، الگوی ناکارآمد رابطه والد فرزندی و مشکلات آسیب‌زایی در دوران کودکی هستند. یافته‌ها حاکی از خودکارآمدی پایین در دانش‌آموزان دارای باورهای غیرمنطقی بالا است. این مولفه شامل دو زیر مولفه خودآگاهی شناختی و خودآگاهی هیجانی پایین است. خودآگاهی شناختی پایین شامل ۵ زیر کد: عدم وجود مهارت‌های حل مساله (نقل قول: "هیچ وقت مشکلم حل نمی‌شود")، وابستگی به دیگران (نقل قول: "ترک کردن مادرم فقط برای چند ساعت خیلی سخت بود")، خود تحول‌نا یافته گرفتار (نقل قول: "من بدون پدرم هیچی نمیشم")، سرزنش خود (نقل قول: "همیشه حتی در

کودکی هم اتفاقات بدی که پیش آمده تقصیر من بوده است") و نارضایتی جنسیتی است. در بررسی مضمون نارضایتی جنسیتی (اختلال هویت) دو عامل روانشناختی و اجتماعی موثر شناخته شد. در رویکرد روانشناختی این مقوله (نقل قول "مادرم خیلی ضعیفه اصلا نمیتونه صحبت کنه") مهمترین عامل ایجادکننده، مادر ضعیف و ناکارآمد است و در رویکرد اجتماعی آن، تاثیر الگو و علاقه زیاد مادر به فرزند پسر (نقل قول "مامانم دوست داشت من پسر بشم ولی نشد") را می توان از عوامل ایجاد این اختلال هویتی دانست. این نتیجه گیری با نظر کوریت (۱۹۹۹)، که تاثیر والدین و تقویت اجتماعی را دو عامل اصلی در پیدایش ملال جنسیتی می داند همخوانی دارد و با تحقیقات مک بی (۲۰۱۳)، راسکوئیست، نوردلند و کایزر (۲۰۱۳)، زوکر و لارنس (۲۰۱۶) و غضنفری و خدارحیمی (۱۳۹۶) همراستاست. مولفه خودآگاهی هیجانی شامل ۴ زیر کد است. زیر کدهای پذیرش جویی و جلب توجه (نقل قول: "اثبات خودم به دیگران خیلی مهمه"), اعتماد به نفس پایین (نقل قول: "من دوست داشتنی نیستم و نمی توانم برای دیگران مهم باشم"), کمال گرایی منفی و منفی گرایی و بدبینی (نقل قول: "من می دانم هیچ اتفاق خوبی برایم نخواهد افتاد") و وجود رفتارهای فرااجتماعی از مهمترین عوامل مشترک در ایجاد باورهای غیرمنطقی و یا تحریفات شناختی در این نوجوانان است. برخی از این مولفه ها در نظریه ایس (۲۰۰۳)، در (عوامل ایجاد باورهای ۱۰ گانه غیرعقلانی) قابل رویت است.

در بررسی تجربیات تلخ و شیرین و خاطرات دوران زندگی این نوجوانان، یافته ها حاکی از آن است که عدم وجود مهارت های ارتباطی مناسب والد فرزند و اعضای خانواده با یکدیگر و همچنین مشکلات روانشناختی والدین، نهایتاً منجر به ایجاد تعاملات ضعیف و نامناسب شده است. با توجه به یافته های پژوهش، انعطاف پذیری پایین پدر (نقل قول: "بابام خیلی سخت گیره، مثلاً اینکه کاری که می گه، باید درست انجام بشه"), مسبب ضعف در تصمیم گیری نوجوانان بوده است و عامل کنترل بی منطق مادر (نقل قول: "مادرم برای اینکه من حرف نزنم جلوی جمع کتکم میزنه") اعتماد به نفس پایین و باور اجرایی ضعیف را در نوجوان به همراه داشته است. درک رسمیت در رفتار پدر (نقل قول: "هیچ وقت پدرم وارد گفتگو با ما نمی شود و همیشه حرف حرف خودش") می تواند باعث ایجاد افراط در حد و مرزهای رفتاری بین نوجوان و اطرافیان اش باشد. در این بین پذیرش مشروط نوجوانان از طرف مادر (نقل قول: "اگر دختر خوبی باشم دختر مامانم هستم اگر نباشم نیستم") مانع بروز تجربیات خود و تمرکز بیش از حد بر دیگران شده است. با توجه به نظر باقری (۱۳۹۲)، مدل فرزندپروری بر مبنای هستی شناسی و انسان شناسی اسلامی، سبک فرزندپروری هیچ کدام از نوجوانان دارای باورهای غیرمنطقی بالا متعادل نبود. با توجه به اینکه سبک فرزندپروری امنیت مدار، فعال کننده انگیزه اجتنابی در زندگی نوجوانان است می توان نتیجه گرفت که تاثیر سبک فرزندپروری در دنبال کردن بایدها و ایجاد تحریفات شناختی در زندگی این نوجوانان قابل توجه است. این یافته ها با تحقیقات احمدآبادی و همکاران (۱۳۹۸)، باقری و همکاران (۲۰۱۴)، خراسانی زاده و همکاران (۱۳۹۸)، اسماعیلی و همکاران (۲۰۱۶) و براتی و همکاران (۲۰۱۷)، نیز همراستاست.

با توجه به سبک فرزندپروری نامتعادل و مهارت های ارتباطی ضعیف در کودکی (به دلیل عدم آموزش از طرف مدرسه و والدین به عنوان الگو) طردشدن ها و محرومیت های هیجانی در دوران کودکی ایجاد شده است. این یافته ها با تحقیقات بک (۱۹۷۹) و نادرزاده و همکاران (۱۳۹۸)، که رد پای اسنادهای بیرونی را در ایجاد محرومیت هیجانی تاثیرگذار می دانند همراستاست. طبق نظریه بک (۱۹۷۹)، تجربه در افراد، به تشکیل فرض ها و یا طرحواره هایی درباره خویشتن و جهان می انجامد و می توان انتظار داشت تشابه تجربه ها در این نوجوانان، فرض ها و طرحواره های مشابه را ایجاد خواهد کرد. این نتیجه گیری با یافته های تحقیق راجرز و همکاران (۲۰۱۹) نیز همراستاست.

یافته ها نشان می دهد این نوجوانان نتوانسته اند با ایجاد تعامل مناسب با مذهب و خداوند، خلا تعاملات خانوادگی ضعیف را پر نمایند و باورهای غیرمنطقی خود را با باورهای مذهبی صحیح جایگزین نمایند (نقل قول: "مامانم برای خودش یه چیزهایی را معتقدده ولی به نظر من همش خرافاته"), (نقل قول: "من فقط می گم خدایی هست که همیشه هست! آماده است که ما اشتباه کنیم تا حسابی برای بقیه زندگی خط و نشون بکشه") و (نقل قول: "بعضی ها می گن خدا مهربونه. به نظر من نیست اگر بود همه را یک شکل می افرید"). در مدل مقابله مذهبی با توجه به نظریه پرگامنت (۲۰۰۲)، هیچکدام از نوجوانان در سبک مقابله مذهبی مثبت قرار نداشتند و مقابله مذهبی منفی (از نوع دل بستگی اجتنابی و دل بستگی دوسوگرای گرفتار شده نسبت به خدا) را نشان می دادند. وجود دل بستگی اجتنابی (بیشتر از نوع آشفته) در سبک دل بستگی والدین آنها نیز دیده می شد، این یافته ها با تحقیقات

جنیفر (۲۰۱۹)، کوپر و همکاران (۲۰۰۹)، سرلاتی (۱۳۹۵)، سپاه منصور (۱۳۸۷) و شهابی‌زاده (۲۰۱۵) هم‌راستا است. با توجه به مشاهده ارتباط بین سبک فرزندپروری و مقابله مذهبی در تحقیقات گذشته، می‌توان نتیجه گرفت که پدر سخت‌گیر و حمایت مشروط مادر در فرایند انطباق و کنترل بی‌منطق مادر در فرایند جامعه‌پذیری، عدم درک باورهای مذهبی را برای نوجوان ایجاد کرده که هر دو به مقابله مذهبی منفی و ایجاد باورهای غیرمنطقی منجر شده است.

مهمترین مشکلات آسیب‌زای دوران کودکی که در تمام نمونه‌ها دیده شد، محرومیت‌های هیجانی و طرد از طرف اجتماع و خانواده و مخصوصاً از طرف گروه همسالان است. با توجه به مهارت‌های ارتباطی ضعیف در این نوجوانان که از کودکی حتی از طرف گروه همسالان خود نیز طرد می‌شدند (نقل قول: "در مدرسه و سال‌های ابتدایی دوستی در مدرسه نداشتیم") و این طرد شدن‌ها (نقل قول: "اگر می‌گفتم در مدرسه کتک خوردم هم فایده‌ای نداشت و می‌گفتند حقت بود خوردی") محرومیت‌های هیجانی آنها را زیادتر کرده است. بدرفتاری‌های معلم در دوران مدرسه به خصوص کلاس اول و دوم (نقل قول: "یه معلمی داشتم خیلی وحشی بود و کلاس دوم هم یه بار کتکم زده بود")، به عنوان بدترین خاطرات زندگی این نوجوانان مطرح می‌شد.

این پژوهش با توجه به زمان بر بودن پژوهش کیفی با محدودیت زمانی تحقیق همراه بود که امکان پیگیری‌های بعدی را کاهش داد. مطالعه زندگی نوجوانان دارای باورهای غیرمنطقی نشان می‌دهد که مهارت‌آموزی در زمینه‌های افزایش خودکارآمدی، آموزش‌ها جهت کارآمدی و تعادل‌یابی در سبک فرزندپروری و توجه به سال‌های ابتدایی مدرسه از منظر آموزش مهارت‌های ارتباطی در نوجوانان دختر می‌تواند بر کاهش باورهای غیرمنطقی اثرگذار باشد بنابراین پیشنهاد می‌شود در تحقیقات بعدی، آموزش مرتبط در این زمینه‌ها و پرداختن به عوامل ذکر شده، مورد توجه قرار گیرد.



References

- Abolmaali alhosseini Kh. (2020). Research on Narrative Analysis in Psychology. Tehran: Alam Publishing. [\[Link\]](#)
- Ahmadi A. Babaei A. Abbasi A. (2020). The role of coping strategies, cognitive distortions and personality disorders in predicting violence among women convicted of assault in Mazandaran prisons. *Journal of Police Studie*; 33:98-117. [\[Link\]](#)
- Ahmadabadi Z. Bagheri F. Salimi H. (2019). The effectiveness of parenting education program with emphasis on choice theory on improving the parent-child relationship and life satisfaction of mothers. *Journal of Culture and Counseling and Psychotherapy Allameh University*; 10 (39):99-122. [\[Link\]](#)
- Anggreini C. Daharnis K. (2019). The Effectiveness of Group Rational Emotive Behavior Therapy to Reduce Student Learning Burnout. In *IJRICE* 3 (2):109. [\[Link\]](#)
- Bagheri F. (2013). Parent-child relationship model, theoretical model of parenting based on Islamic ontology and anthropology. *Bi-Quarterly Journal of Islamic Studies and Educational Sciences*. 1 (57):11-23. [\[Link\]](#)
- Balkis M Duru E. (2020). Gender Differences in the Organizational Structure of the Rational/Irrational Beliefs in Depressive Symptoms. In *J Rat-Emo Cognitive-Behav Ther* 38 (2):272-294. [\[Link\]](#)
- Chan, Ho Wai Queenie; Sun, Chui Fun Rachel. (2019). Scale development. Chinese Irrational Beliefs and Rational Attitude Scale. In *PsyCh journal* 8 (1): 122–136. [\[Link\]](#)
- DiGiuseppe R. Gorman B & et al. (2021). The Development of a Short Form of an Irrational/Rational Beliefs Scale. In *J Rat-Emo Cognitive-Behav Ther* 38 (3): 369. [\[Link\]](#)
- Duru E. Balkis M. (2021). Childhood trauma, depressive symptoms and rational /irrational beliefs. A moderated mediation model. In *Curr Psychol* 96 (2): 358. [\[Link\]](#)
- Ellis A. (2003). The nature of disturbed marital interaction. *Journal Of Rotional – Emotive & Cognitive Behavior Therapy*, 21: 147-153. [\[Link\]](#)
- Esmaili M. Qomi f. Bagheri f. (2016). Psychosomatic Disorders, Anxiety and Relationship with ParentChild Communication Patterns in Crime Correction and Rehabilitation Center in Qom. *Journal of psychology & behavioral studies* 4 (SP1): 55-68. [\[Link\]](#)
- Feist J. (2013) *Theories of Peronality* translat by Seyed Mohammadi Y. [\(link\)](#)
- Helmond P. Overbeek G. Brugman D. Gibbs C. (2015). A Meta-Analysis on Cognitive Distortions and Externalizing Problem Behavior. *Criminal Justice and Behavior*. 42 (3): 245–262. [\[Link\]](#)
- Holt D. Helfrich T & et.al. (2010). Are you ready? How health professionals can comprehensively conceptualize readiness for change. *general internal medicine*. 25.1: 50–55. [\[Link\]](#)
- Hu K. Chibnall J T & et.al. (2019). Maladaptive Perfectionism, Impostorism, and Cognitive Distortions. Threats to the Mental Health of Pre-clinical Medical Students. In *Academic psychiatry. the journal of the American Association of Directors of Psychiatric Residency Training and the Association for Academic Psychiatry* 43 (4): 381–385. [\[Link\]](#)
- Khorasanizadeh A. Bagheri F et al. (2019). Structural model of the relationship between parent-child relationship patterns and early maladaptive schemas mediated by attachment styles *Journal of Applied Psychology*; 13 (1):55-76. [\[Link\]](#)
- Kostoglou S. Pidgeon A. (2016). The Cognitive Distortions Questionnaire. Psychometric validation for an Australian population. In *Aust J Psychol* 68 (2): 123–129. [\[Link\]](#)
- Mesbah Z. Abolmali alHusseini Kh. Hamidi F. (2021). *Codification and design and compilation of an educational package based on the life stories of students with cognitive distortions and its effectiveness on the readiness for change and motivational structure and academic progress*. Islamic Azad University of Roodehen.

- Mesbah Z. Abolmali alHusseini Kh. Hamidi F. (2021). Standardizing the Iranian Version of the Bernard's Adolescent Scale of Irrationali. In *Journal of psychometry* 9 (35) [\[Link\]](#)
- Morrison A. Carrie M & et al. (2015): The Cognitive Distortions Questionnaire (CD-Quest). Psychometric Properties and Exploratory Factor Analysis. In *International Journal of Cognitive Therapy* 8 (4): 287–305. [\[Link\]](#)
- Naderzade H. Salehi M & et.al. (2019). Structural modeling of the relationship between social anxiety symptoms based on early maladaptive schemas and cognitive distortions in adolescents *Quarterly Journal of Mental Health Research*; 13(1):41-67. [\[Link\]](#)
- Pallav K. Pradeep K & et al. (2019). Cognitive distortions, Impulsivity and. Frequency Distribution of Suicidal Ideation, Cognitive Distortions, Impulsivity and Depression among YoungAdult, Patna, Bihar *Journal of Disability Management and Rehabilitation*. [\[Link\]](#)
- Rogers J. Luke M & et al. (2019). Supervisee Attachment, Cognitive Distortions, and Difficulty WithCorrective Feedback. In *Counselor Education and Supervision* 58 (1): 18–32. [\[Link\]](#)
- Sahin H. Türk F. (2021). The Impact of Cognitive-Behavioral Group Psycho-Education Program on Psychological Resilience, Irrational Beliefs, and Well-Being. In *J Rat-Emo Cognitive-Behav Ther* 2 (3):61. [\[Link\]](#)
- Serine A. Rosenfield B& et al. (2020). The Relationship Between Cognitive Distortions and Adult Attention-Deficit/Hyperactivity Disorder After Accounting for Comorbidities and Personality Traits. In *Cognitive therapy and research* 44 (5): 967–976 . [\[Link\]](#)
- Shahabizadeh F.(2015). Causal Model of Religious Coping strategy in crisis, The Role of Family functioning and Attachment to God.*quarterly journal of phsycology studies* . (11):135-165 .[\[Link\]](#)
- Sohrabi Fard M. Samadi Fard A & et al. (2019). Intervention in Cognitive and Self-Critical Distortions of Married Girls: Effectiveness and Effectiveness of Compassionate Mind Skills Training, *Quarterly Journal of Educational Sciences. Pathology, Family Counseling and Enrichment*. (9)4-17. [\[Link\]](#)
- Terjesen M. Salhany J Sciutto & et al. (2009). A Psychometric Review of Measures of Irrational Beliefs. Implications for Psychotherapy. In *J Rat-Emo Cognitive-Behav Ther* 27 (2)83–96.[\[Link\]](#)